

چند نکته بر چند کتاب

نوشتن حواشی بر کتب و رسائل، از سنت‌های نیکوی اسلاف است و این حاشیت نویسی بر نوع نقد‌ها که معمول اهل علم این زمان است نخست بدان جهت ممتاز و مرجح مینماید که کارپیشینیان بتمامی منصرف به متن سخن و جوهر کلام ما-تن است نه بیان اوصاف و شرح ظواهر کتاب و ترجمه حال مؤلف و... که همه مقوله‌هایی دیگر است در فن کتابداری و کتاب شناسی و علم رجال. و دوم اینکه اغراض و حب و بغضهای شخصی و گروهی در نوشتن حاشیت چندان مدخلیتی ندارد و غرض عمده همانا فهم و تفهیم معانی است و بسا که استفهام. چنین اتفاق افتاده است که حین مطالعه اثری چند از دانایان معاصر، برسم حاشیه نویسی سطرى دوبرقلم من رفته است. معدودی از آن پراکنده حاشیه‌ها را در این مقال باختصار تام از نظر ارباب فضل میگذرانم و البته مجال تفصیل آنها باقی است و باب بحث و تحقیق در آنها گشاده.

۱- حکم تکلیفی در غصب: استاد دکتر سید حسن امامی، امام جمعه تهران، حکم غصب را به تکلیفی و وضعی تقسیم کرده‌اند و حکم تکلیفی را عبارت از ردعین و حکم وضعی را ضمان غاصب نسبت به عین و منافع آن ذکر کرده‌اند (استاد دکتر سید حسن امامی، دوره حقوق مدنی، جلد اول، تهران، چاپ چهارم، ص ۷۱-۳۶۵).

بنظر میرسد با توجه به مفهوم حکم تکلیفی و حکم وضعی در اصطلاح حنفی، تعبیر استاد، خالی از اشکال نباشد چه حکم وضعی که عبارت از ثبوت ضمان بر عهده غاصب است و ضابطه حکمی و احداست و تحلیل آن به فروع مختلف که در صورت بقاء، به ردعین و در صورت تلف به تأدیبه بدل تکلیف میکند - موجب نمیشود که ردعین، حکم تکلیفی باشد و تأدیبه بدل، حکم وضعی. لذا حکم تکلیفی را باید به مقررات جزائی ناظر دانست.

۲- شرح احسانی بر مشاعر: پرفسور هانری کربن، شرح شیخ احمد احسانی را بر مشاعر به عنوان اثری عمیق و ارزنده ستوده‌اند (پرفسور کربن، پیش گفتار مشاعر، انستیتو ایران و فرانسه، ۱۳۴۲). در حالی که گواه صادقی چون حاج ملاهادی سبزواری به صراحت در شرح حال خویش شهادت داده‌است که «در سنه ۱۲۴۰ مرحوم شیخ احمد احسانی به اصفهان آمدند... مدت پنجاه و سه روز بدرس ایشان رفتم... فضل ایشان در جنب فضلاء اصفهان نمودی نکرده» (آخر حاشیه هیدجی بر شرح منظومه سبزواری، سنگی، ۱۳۴۶، ص ۵۰۰).

و آخوند ملا اسماعیل اصفهانی شرح احسانی را جرح خوانده است و با او نسبت ناآشنائی به اصطلاحات و مبانی قوم داده نظر تلویحی مرحوم میرزا طاهر تنکابنی نیز که افاضل روزگار ما به شاگردی او مسی نازند بوقت اشارت به شرح احسانی - آنجا که شیخ را با وصف «فقیه فاضل» یاد کرده است - حاکی از اعتقاد او به کم اطلاعی شیخ از اصول و مبانی حکمت است (میرزا طاهر تنکابنی ، فرهنگ ایران زمین ، ج ۲۰ ، ص ۵۲)

۳- حرکت جوهری : آقای دکتر علی شریعتی در اسلام شناسی ضمن بیان «عامل محرک تاریخ» نوشته اند «حرکت جوهری ، اصطلاح معروف ملاصدرا ، حرکتی است در ذات ، مثلا میوه که ابتدا نارس است و بعد چندی نیمه رسیده میشود و بعد می رسد و رنگ سبزش به زردی می گراید و در نهایت قرمز میشود ، حرکتی جوهری داشته است چرا که در مکان حرکت نکرده است بلکه ذاتش تغییر یافته و در همان جایگاه اولیه اش از حالتی به حالت دیگر منتقل شده است» (دکتر علی شریعتی ، اسلام شناسی ، درس دهم «فلسفه تاریخ» ، چاپ دوم ، تکثیر از اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا ، ص ۵) .

در کلام منقول ، حرکت در جوهر ، منحصر آدر مقابل حرکت انتقالی - حرکت در این - تصویر شده است و حرکت در جوهر در برابر حرکت در اعراض است به شرح کتب قوم .

۴- قصیده سنائی در دیوان ناصر خسرو : قصیدت حکمی به مطلع :
ای ذات تو ، ناشده مصور
هم در دیوان سنائی غزوی آمده است (دیوان سنائی ، به کوشش آقای مظاهر مصفا ، ص ۱۵۵) و هم در دیوان ناصر خسرو مصحح مرحوم حاج سید نصرالله تقوی که افاضلی چون تقی زاده و محمد قزوینی و مجتبی مینوی ، بر آن مقدمه و ذیل و تعلیق نوشته اند . سیاق ترکیب و نظم کلام در این قصیدت با قصائد ناصر خسرو سازگار نمی نماید و در نبودن سندی که انتساب آن را به حکیم قبادیانی ثابت کند باید آن را از آثار سنائی شمرد و از دیوان ناصر خسرو برداشت تا رأی استاد مینوی چه باشد ؟

۵- تعریف به غایت : آقای جواد مصلح ، تعریفی که حکیم سبزواری در آغاز منظومه از حکمت ، نقل فرموده است که «صیرورة الانسان عالما عقليا مضاهیا للعالم العینى . بجهت آن که تنها مفید فائدت حکمت است ناقص خوانده اند (جواد مصلح ، فلسفه عالی ، انتشارات دانشگاه تهران ، جلد اول ، سال ۱۳۳۷ ، ص ۲) . اما در بسیاری از امور ، تعریف شیئی و نتیجه و غایت آن مساوی است لذا شرح صدر و بسط ذات ، خود تعریف حکمت و در عین حال نتیجه و غایت آن تواند بود خاصه بنا بر مسلک اتحاد عاقل و معقول .

۶- اشعری بودن حافظ : آقای دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی ، حافظ

را به استناد این بیت :

چه شبمنی است که بر بحر میکشد رقمی

قیاس کردم تدبیر عقل در ره عشق

به تصریح اشعری دانسته‌اند (دکتر جعفری لنگرودی، حقوق اسلامی، از انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بخش نظریه حسن و قبح عقلی) به بیت ماقبل، شاید نگرینست که بی اعتباری عقل به حدود عشق محدود شده است :

طیب راه نشین درد عشق نشناسد
بر و بدست کن، ای مرده دل!، مسیح دمی

اشکال دیگر آن که قیاس خود حکم عقلی است و جرح و رد عقل به حکم عقل، دورااست و باطل و گذشته از اینها، استناد به اشعار که به تعبیر اساس الاقتباس «کلام مخیل» است در این مباحث، از مقوله ذوقیات است.

۷- پشت : آقای دکتر خلیل خطیب رهبر، در بعضی آثار خود که بجهت تدریس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران فراهم آورده‌اند و مکرر در تهران بچاپ رسیده است در شرح و تفسیر این بیت سعدی :

مکن تکیه بر ملک دنیا و پشت
که بسیار کس چون تو آورد و گشت

نوشته‌اند «پشت کردن : تکیه کردن» و بدینگونه پشت را به تکیه معطوف و مورد را از موارد حذف جزء دوم فعل پنداشته‌اند. بنظر میرسد که پشت کردن در زبان ما بمفهوم تکیه کردن استعمال نشده باشد و معنی پشت کردن، قهر کردن و روی برگرداندن است و بر این استعمال در متون پارسی، شواهد بسیار. بیتی روان از غزل شاعری متأخر ضیاء الحق حکیمی سبزواری متخلص به ضیائی از فرزندان حکیم حاج ملاهادی اسرار بمقصود وافی است: چون پشت کردی از من، رو کن به ره که خواهی
قربان قهر و لطف، گل پشت و روندارد
و البته آنچه بمعنی اعتماد داشتن و تکیه کردن بکار می‌رود پشت گرم یاد گرم بودن است که ناصر خسرو نیز جایی آورده است «گر ترا پشت به سلطان خراسان است ...» و پشتیبان نیز از همین ریشه است.

و اما در بیت منقول سعدی، باعتماد من، پشت، معطوف به تکیه نیست بل مفعول بواسطه برای تکیه نکردن است و بمفهوم تیار و نسب و شرافت نژادی بکار رفته است و معنای بیت بدینگونه باید باشد که بر ملک دنیا و پشت (شرافت نسب) تکیه مکن.

۸- قبادیان : آقای دکتر مهدی محقق در مقدمه چند قصیده از ناصر خسرو قبادیانی که آنها را بری تدریس به دانشجویان رشته ادبیات و زبان فارسی گزیده‌اند و شرح و تفسیر کرده و آن نیز مکرر به چاپ رسیده است، در نخستین صفحه کتاب (که بشرح حال حکیم اختصاص یافته است) قبادیان را از محال مرو خوانده‌اند و آن از محال بلغ است بلاخلاف.

۹- سازمان بازرسی : آقای دکتر منصور راستین، «سازمان بازرسی شاهنشاهی» را بی‌هرگونه تفکیک و حتی توضیحی در بخش «دادگاههای اختصاصی» بر شمرده‌اند (دکتر راستین، مقررات کیفری درامور دولتی، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۴۰۸، بخش دادگاههای اختصاصی) و این سازمان «دادگاه اختصاصی» نیست چه بفرض کشف خلاف، خود صالح بر سیدگی نیست و حسب مورد آن را به مرجع قضائی صالح جهت تعیین تکلیف اعلام باید داشت.

۱۰- دانشگاه تهران : بنابه گزارش مقامات آموزش عالی ایران ، دانشگاه آزاد ایران بنام Free University of Iran گزارش شده است (چاپ بیست و پنجم The world of Learning ۷۵-۱۹۷۴ ، لندن ، ص ۶۴۸) ودانشگاه آزاد را به انگلیسی Open University گویند .

تلك عشرة كاملة : امید که عالمان وادیان استفاضت طالب علمان را چنانچه در اظهار این انتظار عیبی و علتی یا بنیاد ارشاد و توضیح درین ندارند . از آنچه در حاشیه آثار دیگر افاضل می نوشته ام نیز وقتی دیگر گزارشی مردانندگان علوم را نیاز خواهم کرد . البته معقول تر بود که بجای تحریر این مقالت ، مستقیم به اوستادان عریضه نگار شده بودم اما عذر من آن است که فاضل شهرم مقدم جناب دکتر سیف الله وحیدنیا از در بخشندگی ، نامه نامی وحید را از راه دور بدینجا بمن فرستاده اند . ارادتی باید نمود تا سعادت ی یافت . این حواشی در دسترس بود و تحفه یی دیگر نداشتم . در دل دوست بهر حیله رهی باید کرد والسلام علیکم وعلیه وعلی جمیع اخوان الصفا و خلائق الوفاع الرحمة والبركة .

بقیه از صفحه ۶۳۵

سلسله چشمتیه در مشهد عرض وجود نمود شیخ ملقب به لقب طریقت بنده علی بود مرحوم شیخ زمان تحصیل در اصفهان دست ارادت به حاج محمد صادق اصفهانی رنگرز داد حاج محمد صادق در جوانی از افراد شروز و ناراحت شهر بود که بعد دست ارادت به رستم خان بختیاری داده است شیخ حسنعلی نخودکی منطق الطیر عطار را با حذف اشعار در منقبت خلفا بطبع رسانید و مدعی گردید عطار تیه نموده و از روح عطار اجازة گرفتم این ناچیز را عقیده بر آنست که اگر با امان نظر با شعار مقدمه منطق الطیر نظر افکنیم بر تری سخن عطار را در باره مولای متقیان علی (ع) بر دیگر خلفا بوضوح در میابیم در ثانی عطار بزرگ مردی است که اگر او را در قالب شیعه و سنی معرفی نمائیم ظلمی فاحش مرتکب شده ایم شیخ در شبهای پنجشنبه در منزل خود روضه بر پامیکرد و از تخریب گنبد سبز جلو گیری بعمل آورد و به تکیه خاکسار بهساکمک مینمود آقای شیخ محمود حلبی از شاگردان مرحوم شیخ بوده اما او را بمریدی نپذیرفت مرحوم حاج شیخ حسنعلی شرح لعمه و تفسیر قرآن تدریس میکرد و امراض صعبه را با دادن يك دانه خرما یا یکدانه انجیر مداوا مینمود و این عمل بتواتر رسیده و جای ابهام و تردید باقی نگذاشته است و با سلسله طاووسیه میانه خوبی نداشته و از مجالست با افراد آن سلسله بسختی دوری میجست شیخ مردی پاک و وارسته بود پس از درگذشت این مرد متقی آقا شیخ علی فرزندش بجای پدر نشست و شبهای پنجشنبه یکساعت به تفسیر قرآن میپردازد و بسیار بمسائل شرعی پابند است و آل آقا از مشایخ ایشان است نام طریقت آقا شیخ علی نجم آبادی است چگونگی پیوستگی این سلسله به اقطاب چشمتیه در دست نیست و غیر از این شعبه که در فوق ذکر گردید دیگر افرادی بنام چشمتیه در ایران شناخته نشدند .